

حسین فرامرزی

قابل تأسف است با اینکه عنوان مسلمانی را یدک می کشیم اما عموماً ارتباط ما با معارف قرآن در هر قشر و گروهی که قرار داشته باشیم کم ما به است. تماس روزانه با قرآن و مراجعه مکرر به خزائن قرآنی مثل مراجعه یک ماهی به آب است اما ما اغلب بیرون از آب افتاده ایم و به سختی تقلا می کنیم، همچنان که قرآن به صراحت بیان می کند: «وَمِنَ أَعْرَاضِ عَن ذِكْرِ فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا / هر کس از یاد من رویگردان باشد زندگی بر او سخت خواهد شد.» پروین سالکی، حافظ کل قرآن و داور مسابقات قرآنی در گفت‌وگو با «جوان» افتخار بزرگ زندگی خود را بسیجی بودن می داند. به مناسبت ماه مبارک رمضان، ماه نزول قرآن گفت‌وگویی با این چهره قرآنی درباره حفظ قرآن و شیوه تربیت شاگردان حفظ انجام داده ایم.

گفت‌وگو با پروین سالکی، حافظ کل قرآن و داور مسابقات قرآنی

از ۵ تا ۶ ساله شاگرد حفظ قرآن دارم

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ
وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ

نماز بخوانید و زکات بدهید و بار کعبه کشفه‌گان
به رکوع بروید

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا

فَمَا بِكُم مِّمَّا كَفَبْتُمْ
فَمَا بِكُم مِّمَّا كَفَبْتُمْ

چطور می شود که آدمی فهم خود را از دست می دهد
و کرو و کور و لال می شود؟

به طور میانگین حفظ کردن قرآن چند روز زمان می برد؟
حدود دو سال و سه ماه.

تکنیک خاصی در این باره وجود دارد؟

بله، شما امروز اکثر جوان‌های ما را ببینید می گویند ما ۱۰ جزء یا ۲۰ جزء حفظ بودیم اما فراموش کردیم و برخی اساتید هم به گونه‌ای آموزش را ارائه می کنند که قرآن امروز تصور می کنند حفظ کردن قرآن خیلی سخت است اما واقعاً این طور نیست، کسانی که حافظه ضعیفی دارند می توانند به راحتی حفظ قرآن را آموزش ببینند.

ما در قرآن سوره‌های داریم به نام بقره که دو جزء و نصف قرآن را دربر می گیرد. اگر قرآن عثمان طه را در نظر بگیریم بسوره بقره تا صفحه ۴۹ است و از صفحه ۵۰ سوره آل عمران آغاز می شود. در مقابل ما سوره‌های داریم مثل ناس، فلق، اخلاص و مسد که مثلاً در یک صفحه سه سوره وجود دارد. ما صفحه ۴۸ قرآن را داریم که در یک صفحه فقط یک آیه وجود دارد. در برابر آن صفحه ۵۸۲ قرآن را داریم که در یک صفحه ۳۰ آیه وجود دارد. ما با اینکه سوره‌های بزرگ و سوره‌های کوچک و آیه‌های بزرگ و آیه‌های کوچک قرآن داریم ولی قواعدی وجود دارد که حافظ می تواند به راحتی به این آیه‌ها رجوع کند. به کسی که ۱۰ جزء، ۱۵ جزء و ۲۰ جزء حفظ کرده است می گویم جزء ۱۶ صفحه چند است اکثر نمی داند در حالی که با یک فرمول خیلی ساده می توان این اشراف را در حافظ قرآن ایجاد کرد که بلافاصله حافظه خود را به سمت آن سوره و آیه هدایت کند، بنابراین کاری می کنیم که عزیزان خیلی سریع حافظ شوند.

چه فرمولی؟

کل قرآن ما چند جزء است؟

۳۰ جزء.

از یک تا ۳۰ یک شماره را به من بگویید / ۱۷.

از ۱۷ یک عدد کم کنید و ضرب در دو کنید / ۳۲

حالا یک عدد دو را کنار ۳۲ بگذارید / ۳۲۲.

اگر شما در قرآن صفحه ۲۲۲ را باز کنید می شود اولین صفحه جزء ۱۷ که خودتان فرمودید.

این فرمول برای همه صفحات صدق می کند؟

بله برای ۳۰ جزء مثلاً جزء شش شش منهای یک می شود پنج، ضرب در دومی شود ۱۰. حالا یک دو را کنار ۱۰ می گذاری می شود ۱۰۲. اگر در قرآن صفحه ۱۰۲ را باز کنید اولین صفحه جزء شش می شود البته این فرمول‌ها منطبق بر کتاب‌های عثمان طه است. مثلاً صفحه ۱۱ می شود صفحه ۲۰۲ که اولین صفحه جزء ۱۱ است. با این فرمول عزیزان حافظ می توانند هر جزء که دلشان خواست در حافظه‌شان دسترسی داشته باشند.

چطور می شود یک فرد
سوره‌های بزرگی مثل بقره یا
آل عمران را حفظ کند؟



طرح نو

اولاً حفظ به مرور و صفحه به صفحه
اتفاق می افتد در ثانی برای اینکه روند
حفظ راحت تر باشد استاد می تواند
علاقه‌مندان به حفظ را با معانی
آیات آشنا کند، به گونه‌ای که حافظ
بتواند با معانی آیه‌ها ارتباط بگیرد.
گاهی از ترجمه‌های منظوم برای
این کار استفاده می کنیم تا بهتر در
ذهن مخاطب بنشیند. فرض کنید از
«الحمد لله رب العالمین» آغاز می کنیم
با این معنی منظوم که: ستایش بود بزرگ
کردگار / که رب عالمین است پروردگار.
ما وقتی توانیم معنی را به صورت
روان به آموزنده ارائه کنیم او بهتر با
آیه‌ها ارتباط برقرار خواهد کرد. به
قول فرمایش مقام معظم رهبری وقتی
قرآن می خوانیم باید معانی آیه‌ها را
بدانیم و روی آیه تدبیر داشته باشیم و اگر
معنی آیه را ندانیم بر ذهن مخاطبان ما
هم نخواهد نشست. با این نگاه به دلیل
اینکه شاگردان متوجه شوند و راحت تر
معانی را درک کنند معانی آیه‌ها را به
صورت شعر به دوستان آموزش می دهیم
چون اگر بگوییم فلان صفحه را حفظ کن
شاید برای افراد سخت باشد. نمی شود
فرد همان ابتدا کل صفحه را حفظ کند
و یک‌واژه جانگوار د و اگر هم با این
روش حفظ کنند معمولاً یک ماه یا
دوماه دیگر فراموش خواهند کرد.
اما وقتی شما معانی را درک کنید
آیات بهتر در یادتان می ماند. ما
کودک بودیم که به ما می گفتند
توانا بود هر که دانا بود / ز
دانش دل پیر برنا بود. این
حکمت‌ها چقدر در ذهن
ما ماندگار شدند؟ چون
سلیسی، زیبا و منظوم
ارائه شده بودند.

به عنوان حافظ چرا به سمت حفظ این کتاب رفتید؟

قرآن جانیه و نور خاصی دارد که قابل توصیف نیست کسی متوجه این موضوع می شود که پای در راه بگذارد شاید باور تان نشود. من میمانی هم که جایی می رفتم حتی بررسی لحظه شماری می کردم چه زمانی به خانه برمی گردم.

الان ساکن تهران هستید؟

پنج، شش ماهی است به مشهد مقدس آمدم.

چند سالگی حافظ کل قرآن شدید؟

حدود ۱۵ سال پیش در ۲۵ سالگی.

و این روند حفظ چقدر طول کشید؟

تقریباً دو سال و سه ماه.

چند شاگرد زیر نظر شما قرآن را حفظ می کنند؟

بیش از هزار و ۸۰۰ شاگرد دارم که بخش قابل توجهی از آنها از همکاران حرم هستند. برخی از آنها قرآن را حفظ کرده‌اند و برخی در حال حفظ هستند. بخش قابل توجهی از شاگردانم مجازی‌اند و اصلاً از نزدیک مراندیده‌اند. از شهرهای مختلف از اصفهان، تبریز، شیراز و زنجان رنگ می‌زنند و من به صورت مجازی به آنها درس می‌دهم.

تکنیک‌ها را هم یاد می‌دهید؟

بله، همان طور که اشاره شد می‌توان با روش‌هایی ساده و قابل فهم برای عام‌روند حفظ قرآن و مراجعه به جزه‌ها و صفحات را برای علاقه‌مندان به حفظ راحت‌تر کرد. شما عاشق و علاقه‌مند به امری هستید می‌توانید نشانه‌هایی را ببینید که کار را ساده‌تر می‌کند.

از چه زمانی شروع به تعلیم و آموزش حفظ قرآن کردید؟

زمانی که تهران بودم همسایه‌ها متوجه شدند که من قرآن می‌خوانم و از من پرسیدند چرا به ما آموزش نمی‌دهی. به آنها گفتم اشکالی ندارد. شما بیایید من به شما آموزش می‌دهم. بعد دایره‌ای آموزش‌ها به تدریج به مدارس و آموزش و پرورش هم کشیده شد. چون در همان منطقه سکونت دارم مسابقات قرآن در آموزش و پرورش و جزو بازواریان سازمان تبلیغات بودم بعدها دارالقرآن‌ها و هیئت‌ها مذهبیه هم خواستند تدریس حفظ قرآن را آغاز کنیم. به آنها گفتم مگر در منطقه تان استاد ندارید؟ گفتند داریم اما به روشی که شما تدریس می‌کنید آموزش نمی‌دهد. از آن طرف دوره‌های حفظ را در بسیج و اوهران و پایگاهی که در آن فرمانده بودم ارائه کردیم.

چند آیه را نام ببرید که
برایتان درس آموز تر
و بالینی بوده است.



نگاه‌کارشناس

همه آیات قرآن، خوب و زیبا و هر آیه‌ای یک درس است و به یک معنا نمی‌شود آیات را از هم جدا کرد اما آیاتی هستند که بسیار مرا به فکر فرو می‌برند. آیات مربوط به قیامت را خیلی دوست دارم مثل این آیات:

است؟ گفتم، بله، قرآن می‌فرماید: وَالْجِبَالُ أَوْتَادًا مَّخْلُوقَاتٍ أَزْوَاجًا. من آرام از این آیه‌ها را در اختیار این جوان‌ها قرار دادم. اشکال کار ما جوان‌ها نیستند، خودمان هستیم. من داور مسابقات قرآن آموزش و پرورش بودم و از اساتید، معلمان و مدیران امتحان گرفتم. متأسفانه خود معلم مدرسه در روخوانی قرآنی مشکل داشت. ای کاش بشود به این موضوع رسیدگی کنیم. یکی از دختران دانشجو آمد نزد من و گفت من خیلی دختر خوبی هستم و به همه نیازمندان و به پدر و مادرم کمک می‌کنم. گفتم معلوم است که دختر خوبی هستی. گفت من اسناد من فقط یک کار انجام نمی‌دهم. گفتم چه کاری؟ گفت من صبح به صبح می‌آیم دانشگاه وقت نمی‌کنم بلند شوم نماز صبحم را بخوانم. گفتم دخترم قرآن می‌فرماید: وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ. گفتم قرآن می‌گوید نماز بخوانید و زکات بدهید

این تصویرسازی که قرآن از قیامت ارائه می‌کند از تکان خوردن کوه‌ها و انقلابی که در هر آنچه امروز به چشم ما محکم و پابرجا به نظر می‌رسد برآید شگفت و زیباییست و هر بار که این آیه‌ها را می‌خوانم بی‌اختیار از چشمانم اشک سرازیر می‌شود و عرضه می‌کنم که خدایا! روز قیامت دست ما را بگیر.

إِنَّ يَوْمَ الْفُصْلِ كَانَ مِيقَاتًا
يَوْمَ يَنْفُخُ فِي الصُّورِ فَنُتَاوُونَ أَفْوَاجًا وَفُتِحَتْ
السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا وَسِيرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ
سَرَابًا إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا

و با رکوع کنندگان به رکوع بروید. کمی با او صحبت کردم و دیدم مشتاقانه صحبت‌های مرا می‌شنود وقتی این مطالب را در یک فضای آرام با جوان‌ها مطرح می‌کنید اغلب جوان‌ها می‌پذیرند.

برخی می‌گویند چرا اصلاً قرآن را باید حفظ کرد وقتی کل فایده قرآن را در گوشه‌ای ام دارم یا کتاب را با خود دارم و هر وقت خواستم می‌توانم مراجعه کنم اصلاً چرا ذهنم را به یک انباری محفوظات بدل کنیم. به عنوان کسی که قرآن را حفظ کرده‌اید و به واسطه این مرور و انس در پیش و نگاه شما تأثیراتی پدید آمده است. دوست دارم روایت شما را از این موضوع بشنوم.

شان حفظ به قدری بالاست که رسول خدا (ص) فرموده‌اند کسانی که حافظ قرآن هستند آتش دوزخ بر قلب و سینه آنها حرام است. روایت‌های متعددی از ائمه اطهار داریم که اشاره به این دارد که کسانی که حافظ قرآن باشند در قیامت گفته خواهد شد که قرآن بخوان و بالا برو و هر آیه‌ای که می‌خواند یک درجه بالاتر می‌روند.

سعدی سخن صریح و زیبایی در این باره در کیفیت و عیار مسلمانی ما دارد: «قرآن بر سر زبان است و زر در میان جان» یعنی تماس ما با قرآن تماس زبانی است در صورتی که تماس ما با قدرت، تروت، نمایش بهره‌های این شکلی تماس جانی است و معلوم است که این نوع مسلمانی نه برای ما کار می‌کند و نه جامعه را به آن مواهب سرشار می‌رساند.

تلقی ما از حفظ چیست. اگر ما یک آیه را به زندگی مان بیاوریم خیلی ارزشمندتر از این است که هزاران آیه را حفظ کنیم اما نور آن آیات در زندگی ما غایب باشد



یک پرسش

من این دیدگاه را کاملاً قبول دارم. اگر ما یک آیه را با معنی و تدبیر بخوانیم خیلی بهتر از این است که دهها صفحه از قرآن را بخوانیم. به خاطر همین است که در جریان آموزش حفظ قرآن اصرار دارم حافظان در ارتباط با معانی آیات قرار بگیرند و به حفظ صرفاً یک نگاه سرد و بی‌روح نداشته باشند. چون اغلب کسانی که امروز قرآن را حفظ می‌کنند زبان عربی را کامل بلد نیستند ولی معنی آیه‌ها چون روان و ساده تر است می‌توانند آرام آرام متوجه شوند که آیه‌ها درباره چه سخن می‌گویند و من استاد اگر می‌خواهم کارم با عمق بیشتری صورت گیرد باید مفاهیم آیه‌ها را در حد بضاعت برای حافظان باز کنم. متأسفانه برخی اساتید حفظ را فقط در خواندن آیه‌ها و تکرار آن منحصر و محصور کرده‌اند. من همیشه به شاگردانم می‌گویم شما اگر ۱۰ صفحه حفظ کنید و این ۱۰ صفحه بر لوح جان و ضمیر شما بنشیند خیلی بهتر از این است که ۱۰ جزء حفظ کنید اما جان شما بهره‌ای از آن آیه‌ها نبرده باشد. مهم است که حافظ اول از همه برای خود روشن کند که هدف او از خواندن کلام خدا چیست. من اگر بدانم این کلام خداست و عظمت آن را ندکی در کم کن حاضر نخواهم بود آیه‌ها را لقلقه لسان کنم. اصلاً مشکل ما این است که از این تدبیر در قرآن غفلت کرده‌ایم.

ما زمانی می‌توانیم انتظار بهبود داشته باشیم که در درجه اول به اخلاق، منش و عمل خود نگاه کنیم. می‌گویند درخت هر چه برپایه‌تر سر به زیر تر، بنابراین اگر من حقیقتاً به معرفتی رسیده باشم این معرفت در تواضع من خود را نشان خواهد داد اما اگر من این تواضع را در خود نمی‌بینم نشانه‌اشی است که معرفت صرفاً یک لقلقه لسان بوده است. من کسی را سراغ داشتم که از محافل قرآنی بیزار بود. وقتی علت را از او جویا شدم گفت از هر چه استاد قرآن است بدم می‌آید. گفتم چرا؟ گفت من دانش آموز مدرسه بودم و یک معلم قرآن داشتم. این معلم قرآن از وقتی به کلاس می‌آمد تا وقتی پیش از کلاس بیرون می‌گذاشت چه‌جا را به بهانه‌های مختلف تکت می‌زد. من از همان موقع از قرآن فراری شدم. یک معلم قرآن اول از همه باید الگو باشد. وقتی یک معلم قرآن در خیابان راه می‌رود و از همه باید الگو باشد. وقتی به او احترام می‌گذارند این احترام را نباید به خودش منتسب کند. باید نزد خود بگوید این احترام به قرآن است، اما اگر صرفاً خود را ببیند نور قرآن را ببوشاند دچار جیب و غرور می‌شود. من اسناد باید این باشد که با تضرع به خداوند عرضه کنیم: خدایا! این بار سنگین را به دوش من گذاشتی. کمک کن این بار را به سلامت بکنم و به سر منزل مقصود برسانم. کار سنگین ما این است که ما اشاعه دهندگان کلام حق و رسول الله هستیم و اگر من ببینم که منش و نشست و برخاست ما منش و نشست و برخاست رسول الله فاصله زیادی دارد اول باید کلاس‌ها را تعطیل کنم و بنشینم خود را اصلاح کنم.

طیف سنی شاگردان در چه بازه‌ای است؟
از ۵ تا ۶۵ سال. چند وقت پیش یکی از علاقه‌مندان به حفظ تماس گرفت و گفت من سنم زیاد است. گفتم چند سال داری؟ گفت ۶۸ سال دارم. می‌قبول می‌کنی؟ گفتم

شاگرد صد ساله هم باشید من قبول می‌کنم. حتماً شاگردان اثرات حفظ را به شما می‌گویند. احتمالاً

خاطرات زیادی در این باره دارید.
شاگردانی هستند که به خاطر دوری مسیر و مشکلات خانوادگی به مرور از کلاس سرد می‌شوند و می‌گویند برآیمان سخت است و راهمان دور است. یکی می‌گوید همسرم اجازه نمی‌دهد، دیگری چیزی دیگر اما وقتی دوباره وارد کلاس می‌شوند و به بطن یک آیه راه پیدا می‌کنند آن قلب‌های مستعد دوباره پذیرای آن آیه می‌شوند. یکی از شیرین‌ترین خاطرات من زمانی است که شاگردی اول کلاس می‌گوید سخت است که این همه راه را می‌آیم اما وقتی کلاس شروع می‌شود و در تماس با آیه‌ها قرار می‌گیریم آن شوق و شور دوباره در چهره او پدید می‌آید و می‌گوید خوشحالم که اینجا هستم. اینگونه است که یک فرد که تصمیم گرفته آخرین جلسه او باشد و دیگر نیاید با مرور و تدبیر در یک آیه دوباره انرژی و جان می‌گیرد.

به عنوان حسن ختام چه آیه‌ای در آموزش شیوه زندگی برایتان درس آموز بوده است؟
ما این حقیقت را در فرهنگ خود داریم که گر آید ز حکمت ببندد دری از رحمت گشاید در دیگری. یا پایان شب سه سپید است، این همه انطباق کامل با حکمت‌های قرآن دارد و به عینه برای من در متن زندگی ثابت شده که مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا گاهی در لوح بیماری سختی که داشتم سجد شکر به جای می‌آورد که خدایا! شکر مرا به این درد مبتلا کردی، چون می‌دانستم که هیچ کار خانوادگی حکمت نیست و تلخی ما مقدمه شیرینی‌ها هستند.